عکس: خبرگزاری صدا و سیما

گزارش میدانی هم میهن از معدن معدنجو طبس و گفت‌وگو با کارگران، خانواده‌ها و مصدومان حادثه

گفته‌بودیم فاجعه می‌شود

بخش ایمنی گفته بود که حجم گاز زیاد است و کار باید متوقف شود اما پیمانکار آن را نپذیرفته بود

سارا سبزی
خبرنگار گروه جامعه

یک ساعت مانده به غروب آفتاب، صدای عزا از آرامستان «دیهشک» طبس می‌آید. جمعیت برای سرسلامتی به خانواده احمد مختاری آمده؛ یکی از ۵۱ مرد معدنچی که دو روز قبل پس از انفجار بلوک «سی» معدن معدنجوی طبس به داخل کارگاه رفت، نفسش برید و دیگر برنگشت. انفجار در بلوک «سی» معدن معدنجوی طبس شب یکم مهرماه اتفاق افتاد و جان ۵۱ کارگر را در دو بلوک «بی» و «سی» گرفت. آخرین پیکرها چهارم مهرماه بیرون کشیده شدند و از ۱۶ مصدوم هم دو نفر جانشان را از دست دادند.

پنج ساعت پیش از اینکه خانواده مختاری از یک نفر پشت گوشی بشنوند که به آنها فوت احمد را تسلیت می‌گوید، او از آسایشگاه آخرین تماس را با همسرش گرفته بود. احمد مختاری و امیرعلی خسروی - نیروهای ایمنی معدن- هر دو در شیفت استراحت بودند، اما «مهندس» بعد از انفجار به آنها می‌گوید که سری به بلوک «سی» بزنند؛ چک کردن ایمنی کارگاه برای آخرین‌بار. خانواده و کارگران می‌گویند، «خودنجات» احمد مختاری به‌دلیل کهنه بودن عمل نکرد.

خبر انفجار حدود ساعت ۱۰ شب به خانواده می‌رسد؛ تماس با او نتیجه‌ای ندارد. آخرین تماس ساعت یک نیمه‌شب پاسخ داده می‌شود: «تسلیت می‌گوییم، فوت کرد.» ساعت نزدیک چهار صبح جنازه به سردخانه رسید و بعد خبری از مسئولان معدن نشد. حسین، برادر احمد، کنار مزار ایستاده. پیکر برادر روز قبل تشییع شد و حالا اعضای خانواده برای دیدار دوباره با احمد آمده‌اند.

قولی به شما دادند؟

«هرچه بوده در حد همانی است که در تلویزیون گفته‌اند. کسی نیامد قولی بدهد. شما پیگیری کنید و بگویید معدن، ایمنی درستی ندارد. دستگاه خودنجات برای ۱۰ سال پیش بود، وقتی احمد خواست از این دستگاه استفاده کند، عمل نکرد، خراب بود.»

زن دیگری از خانواده او می‌گوید قول آنها چه فایده‌ای دارد: «همه این‌ها قتل عمد است. جوان‌شان برمی‌گردد؟ اگر می‌دانستند انفجار شده، چرا بدون تجهیزات آنها را فرستادند داخل؟» احمد ۴۸ ساله، شش سال پیش با لیسانس حسابداری در معدن استخدام شد. دو فرزند ۱۴ ساله و هفت ساله دارد و هفتم مهرماه امسال روز اول مدرسه دختر کوچکش بود.

معدن، اورژانس و پزشک دارد؟

مردی کنار برادر احمد ایستاده: «امکانات ندارند. در حد یک آمبولانس، بهیار و دستگاه شوک. خود معدن مرکزی پزشک دارد.»

مرد دیگری می‌گوید آن روز صبح - صبح روز حادثه، ۳۱ شهریورماه- میزان گاز بالا بوده و سرپرست شیفت اول به کارگران گفته پایین نروید، ولی پیمانکار گفته که باید بروید؛ چون با شرکت‌ها قرارداد دارند که در عرض یک‌ماه باید چند تن زغال تحویل دهند، ولی به چه قیمتی؟

از وضعیت بلوک‌ها خبر داشتند

کارگران می‌گویند هفته قبل از حادثه- سه‌شنبه یا چهارشنبه- بخشی از یکی از کارگاه‌ها نزدیک ۲۰ متر پایین ریخته بود و چند نفر مصدوم شدند، در حد چند زخم کوچک. بخش ایمنی گفته بود که حجم گاز زیاد است و کار باید متوقف شود، اما پیمانکار آن را نپذیرفته بود. بخش ایمنی می‌تواند کارگاه را تعطیل کند، ولی همه‌چیز دست مسئول بلوک‌هاست. همه نیروها از تجهیزات فرسوده می‌گویند؛ خودنجات‌ها و چکمه‌های خراب که هر شش‌ماه باید تعویض شود ولی بیشتر از آن طول می‌کشد و خود کارگران باید درخواست دهند که تجهیزات ایمنی‌شان تعویض شود.

همه استخدام‌های معدن پیمانی است و هر بخش دست یک پیمانکار است. به کارگر مجرد کمتر از ۱۳ میلیون تومان پرداخت می‌شود و آخرین قراردادی که کارگران امضاء کرده‌اند سه‌ماهه است. کارگری که با ۲۸ شیفت قرارداد ۱۵ میلیون تومانی امضاء می‌کند، بین ۱۲ تا ۱۳ میلیون دریافتی دارد. قبل از قراردادهای جدید، همه قراردادها شش‌ماهه بسته می‌شد. حقوق‌ها کمتر از رقم قرارداد واریز می‌شود و فقط دو ماه است که به کارگران فیش حقوقی داده می‌شود؛ قبل از آن نمی‌دانستند که چرا حقوق‌هایشان کمتر است. شش‌ماه اول سال نزدیک ۳۱ شیفت دارند ولی پایه حقوق با ۲۸ شیفت بسته می‌شود. در معدن‌های دیگر حقوق شیفت‌های اضافه دوبرابر اضافه می‌شود، اما دستمزد شیفت اضافه در این معدن کمتر از شیفت اصلی است؛ قراردادها روزی ۳۰۰ هزارتومان است و بابت شیفت اضافه ۱۵۰ هزارتومان پرداخت می‌شود.

«کارگران معدن تا ۲۰ سال باید بازنشسته شوند، ولی بازنشسته تا ۲۳ سال هم داریم. قبلاً اگر یک‌سال کار می‌کردیم، ممکن بود یک‌سال کار کرده باشیم، ولی سه‌ماه بیمه رد می‌کردند، اما الان نیروهای زیادی هستند که هنوز به‌دلیل وضعیت همین بیمه‌ها مانده‌اند.»؛ این را یکی از کارگران جوان معدن می‌گوید.

زغال‌سنگ تولیدی معدنجو را کارخانه کک‌سازی طبس می‌فرستند و بعد آن به تهران می‌رود. به غیر از معدنجو که متعلق به بخش خصوصی است، باقی معدن‌های مجتمع صنایع زغال‌سنگ طبس متعلق به ذوب‌آهن است. آمار زغال هر شیفت ۲۳۰۰ واگن است، هر سرویس ۲۵ واگن است، زغال‌ها روی نوار خالی می‌شود و هر واگن حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلو زغال دارد. معدن چهار شیفت شش‌ساعته دارد که از هفت صبح شروع می‌شود و هر شیفت حدود ۲۳۰۰ واگن آمار زغال دارد. چند ماه پیش کارگران معدنجو به وضعیت حقوق‌ها اعتراض کرده بودند، ولی نتیجه‌ای نداشته است.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با پسر آیت‌الله طالقانی
درباره فروش کتاب‌های او از خانه تاریخی‌اش

کتابخانه، «رهاخانه» شد

چندروز پیش بود که رسول جعفریان، استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران خبر داد تعدادی کتاب با مهر کتابخانه آیت‌الله طالقانی را در بازار کهنه کتاب دیده است. منظور او کتاب‌های خانه قدیمی آیت‌الله در پیچ شمیران، خیابان نورمحمدی است که شهرداری آن را برای مرمت و حفظ در دهه ۷۰ خرید و حالا خبر رسیده که یک سال است تعطیل شده و اموالش سر از بازار آزاد درآورده‌اند. ابوالحسن طالقانی، پسر آیت‌الله طالقانی حالا در گفت‌وگو با «هم‌میهن» در این باره واکنش نشان داده است.

آقای طالقانی لطفاً بفرمایید این خانه از چه زمانی تحت تملک شهرداری قرار گرفته است؟

بعد از فوت آیت‌الله طالقانی و برگشتن بچه‌ها به منزل خودشان، (همان منزلی که در زمان حیات ایشان به عنوان دفتر ایشان استفاده می‌شد) همه دفاتر آقا تعطیل شدند. بعد از آن همه کتاب‌ها و مدارک دفتر ایشان به منزلی در امجدیه منتقل شد و خانواده ایشان به منزل خودشان بازگشتند؛ تا اواخر دهه هفتاد که بر اساس توافق انجام‌شده این خانه در ازای مبلغی در اختیار شهرداری قرار گرفت با این شرط که به عنوان کتابخانه و موزه در اختیار عموم قرار گیرد.

چرا خانواده تملک آن را در اختیار شهرداری قرار داد؟

در اواخر دهه ۷۰، زمان شهرداری آقای کرباسچی، خانواده به این فکر افتاد که به جهت اینکه خانه طالقانی به عنوان میراثی ماندگار برای کشور و مردم باقی بماند، با شهرداری به توافق برای فروش برسد تا این خانه تبدیل به کتابخانه و موزه شود. به این صورت خانه در تملک شهرداری به عنوان یک نهاد عمومی قرار گرفت، شهردار وقت خانه را که حدوداً سال ساخت آن به اواخر دهه سی باز می‌گردد، بر اساس توافقی که با خانواده کرده بودند آنجا را تبدیل به کتابخانه عمومی کردند.

آیا غیر از خانه شما موارد دیگری را هم به شهرداری داده‌اید؟

بله. موارد زیادی بود. خانواده که عملکرد شهرداری را دید و دغدغه حفظ میراث طالقانی را به عنوان یک میراث ملی داشت، تصمیم گرفت تا کتاب‌های پدر را هم به این کتابخانه ارائه دهند تا عموم مردم هم بتوانند از آنها استفاده کنند. فرزندان، کتاب‌های زیاد و با ارزشی را که از پدر به یادگار مانده بود را به این نهاد عمومی جهت حفظ و نگهداری این میراث ملی و قرار گرفتن آنها در دسترس عموم در اختیار این کتابخانه قرار دادند.

خانواده در زمانی که با تعطیلی خانه مواجه شد، چه اقداماتی انجام داده است؟

تا سال‌ها این کتابخانه فعال بود و جوانان محل از این مکان استفاده می‌کردند حتی سال‌ها مراسم سالگرد درگذشت پدرم را هم در این خانه برگزار می‌کردند اما بیش از یک سال است که ما مطلع شده‌ایم خانه تعطیل است. اوایل فکر می‌کردیم بحث مرمت و تعمیرات است اما با گذشت زمان و اینکه در آهنی خانه را جوش فلزی زده‌اند و شیشه‌های خانه شکسته است، هر روز نگرانی تخریب این بنای قدیمی را برای ما بیشتر می‌کند. تا اینکه خبری که این روزها به دستمان رسید از خبرگزاری‌ها که با مصاحبه از مردم محل متوجه شده‌اند که خانه به جای کتابخانه «رهاخانه» شده است و این واقعه قلب هر آدم دلسوزی را به درد می‌آورد. خانه‌ای که روزهای بسیاری مأمن و مأوای مردم بود، امروز اینگونه تحقیر شده و در حال تخریب رها شده است و ما به عنوان اعضای خانواده پیگیریم که با خاطیان این سهل‌انگاری برخورد شود.

آیا از سرنوشت کتاب‌ها و اسنادی که برای نگهداری در خانه ارائه کرده بودید اطلاع دارید؟

نه متاسفانه خبری نداریم. اتفاقاً برای استفاده از کتاب‌های آیت‌الله طالقانی در سایت کتابخانه آنلاین طالقانی و زمانه ما و همچنین نگهداری آن کتاب‌ها در کتابخانه موزه منزل اجدادی آیت‌الله طالقانی واقع در گلیرد طالقان پیگیری‌هایی انجام شد که در بوروکراسی گیر کرد و بی‌نتیجه ماند اما متاسفانه خبری که از آقای رسول جعفریان مبنی بر مشاهده این کتاب‌ها در بساط کهنه‌فروش‌های (دست‌فروش‌ها) کتاب به دستمان رسیده است خبر از فاجعه‌ای می‌دهد که بر سر میراث ملی این کشور آمده است. واقعاً چه می‌شود که بر میراث طالقانی اینگونه جفا رفته است؟

آیا خانواده می‌تواند برای بازپس‌گیری این موارد اقدام کند؟

بله حتماً این موضوع را پیگیری خواهیم کرد و تمام تلاش‌مان را برای بازپس‌گیری کتب آیت‌الله طالقانی خواهیم داشت. به نظر می‌رسد خانواده بهترین میراث‌دار پدر طالقانی خواهد بود. در ارتباط با منزل و نگرانی از تخریب این بنای ارزشمند هم حتماً پیگیری‌هایی خواهیم داشت. امیدواریم مسئولان امر اعم از وزیر محترم میراث فرهنگی و سایر مسئولان محترم دغدغه‌مند تاریخ و فرهنگ کشور نسبت به ثبت این خانه در آثار ملی اقدام کنند تا از تعرض سهل‌انگاران و مغرضان در امان بماند.